دانستنیهای علمی





نویسنده : مهدی آقابابائی

بسم الله الرحمن الرحیم

دانستنیهای علمی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دانستنیهای علمی

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی آقابابائی

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مولف

ثواب و هدیه به محضر :

ثواب این جزوه را هـدیه می کنم به محضـر حضـرت بقیه الله الاـعظم امـام زمـان حضـرت حجت بن الحسن المهـدی صاحب الزمان (عج) و به مادر شهیده شان، ام الائمه، مادر سادات ، دخت نبی اکرم (ص) ، شفیعه ی روز محشر، ملکه ی اسلام ، صدیقه ی شهیده حضرت فاطمه زهرا (س).

مقدمه

خداونـد تبـارک و تعـالی را شاکرم که با عنایات خاصه امام زمان (ع) به این بنـده ی حقیر توفیق دادنـد که بتوانم جزوه-ای در باب ریش تراشی و ریش گذاشتن بنویسم که تمام مباحث آن ، از قرآن، روایات، روان شناسی، پزشکی و فتاوی مراجع تقلید این مبحث را به طور کامـل نوشـتم که اتمـام حجـتی باشـد برای کسـانی که می گوینـد مـا روایت و آیه ای از قرآن دربـاره ی ریش تراشـی و گذاشتن آن نداریم و کسانی که می گویند هر کس ریش بگذارد امل و عقب افتاده است قلب و دل انسان باید پاک باشد و اینها و کسانی که شبهه وارد می کنند غافل از مضرات ریش تراشی هستند و منافع و فوائد ریش گذاشتن ، زیرا که گذاشتن ریش از سنت اهـل بیت (ع) و بزرگـان است و تراشیـدن آن کـار مخالفان اسـلام ماننـد یهود ، بابیت و مجوسیها هسـتند . ما در این جزوه به یاری مولایمان امام زمان (ع) آیات و روایات را آورده ایم تا کسانی که اطلاع ندارنـد اطلاع پیـدا کنند و به گوش دیگران هم برسانند. و اما ابتدا درباره ی تاریخچه ی ریش و ریش تراشـی به میدان آمده ام و بعد سـخنان بزرگان و دانشـمندان و پزشـکان در این زمینه و بعـد سـراغ آیـات و روایات رفته ام و بعـد میان اینها فصـلی انتخاب کرده ام و نام نهاده ام به نام شارب (سبیل) و فصل دیگری به نام جویدن مو که چه امراضی به بار می آورد. و در فصل آخر کتاب فتاوی علمای بزرگ و مراجع تقلید . اگر کسی بگوید ما کاری با مراجع و علماء نداریم و نعوذ بالله بگوید: حرفهای آنان قدیمی است ما در جواب می گوئیم که: امام زمان (ع) فرموده اند:

«در حوادثی که اتفاق می افتد به کسانی مراجعه کنید که احادیث ما اهل بیت (ع) را روایت می کنند، آنها حجت من بر شما بوده و من حجت خدا بر آنها هستم.» و منظور امام زمان مراجع و علماء هستند. اینان مرزبانان و پرچمداران دین و شریعت هستند. انشاء الله خداوند منان این ناچیز و کمترین را از این بنده ی حقیر قبول بفرماید.

چکیده

در این کتاب سعی بر این شده است که اثبات نماید حرام بودن ریش تراشی را و گذاشتن ریش را و فواید و محاسن ریش گذاشتن را از منابع چهار گانه یا ادله ی اربعه: کتاب، سـنت، عقل و اجماع و در این کتاب از سـخنان دانشـمندان بزرگ پیرامون این موضوع هم بحث به میان آمده است.

حوزه علمیه اصفهان - میرزا مهدی آقابابائی

فصل اول

تاریخچه ی ریش گذاشتن

وقتی تاریخ ریش گذاشتن بررسی می شود، یک نوع افراط و تفریط در آن بوده به طوری که عده ا ی ریش خود را آنقدر بلند می کردند که به زمین کشیده می شده و افرادی را اسیر جمع آوری آن از زیر دست و پا می کردند. در مقابل برخی ریش خود را از ته می زدنـد، اسـلام که روشـش بر اسـاس اسـتدلال و منطق است ، این دو طریق را مطرود اعلام کرد و راه اعتـدال و میـانه روی را بر اساس آیه ۱۴۳ سوره بقره که می فرمایـد: « و کذلک جعلناکم امه وسـطا» و روایات متعدد برگزید و اکنون به نمونه هائی از آن در تاریخ توجه فرمائید.

الف: ریش در شریعت حضرت موسی (ع)

عبرانیان از زمان های بسـیار قدیم ریش می گذاشـتند و بر طبق شـریعت حضـرت موسـی (ع) مجاز به تراشیدن ریش نبودند و کندن ریش نزد آنان علامت تحقیر و بی احترامی بود. حضـرت موسـی (ع) با مردانی از بنی اسـرائیل به کوه طور رفت و دستور فرمود که: بعد از دعای من آمین بگوئید. از جمله دعاهای حضرت نفرین بر کسانی بود که ریش خود را می تراشیدند.

ب: سلاطین و علماء

سلاطینی از بابل، آشور، ایران و یونان قدیم ریش خود را فر می دادند و در مجسـمه های داریوش بزرگ و حکمائی مانند افلاطون، ارسطو و سقراط این موضوع مشهود است.

برخی فراعنه مصـر سـنگ های قیمتی و مرواریـد به ریش خود می آویختنـد و آن سـنگ ها راماننـد خنجر، نوک تیز می کردنـد و گاهی با آن سنگ ها ریش ها را اصلاح می کردند.

معروف است که ریش «سلطان سنجر» آنقدر طول و عرض داشت که زمان شکار و تیراندازی غلامان می دویدند و ریش شاه را که به زمین می رسید با پارچه ای بسته و به پشتش گره می زدند.

ریش «فتحعلی قاجار و درباریانش» آنقدر بزرگ بود که در زمان تیراندازی آن را می بستند.

زمانی ریش ها را به شکل خاصی مانند توپی، دم کبوتری، مربع و مستطیل حالت و شکل می دادند.

«عباد» برادر «عبیدالله بن زیاد» ریش طویلی داشـته و «ضـیاءالدین قزوینی»استاد «سعدالدین تفتازانی» ریشش آنقدر طولانی بود که به کفش هایش می رسید و در خواب آن را کیسه می کرد و چون بر مرکب سوار می شد، باد آن را متفرق می نمود و مردم را متوجه خود می ساخت.

مردم یونـان و روم قـدیم همه ریش داشـتند، امـا کم کم در ایام شادی ریش تراشـی معمول گردیـد. اما در نزد ایرانیان ریش مرسوم بوده است.

ج: کسانی که دستور تراشیدن ریش داده اند

اولین کسـی که فرمان ریش تراشـی دسـته جمعی صادر کرد «اسکندر مقدونی» بود. و دومین نفر که این دستور را داد «فیلیپ هفتم» در اسپانیا و سومین نفر«پطر کـبیر» در روسـیه بود. و او چنـان سـخت گرفت که کسـانی را که دارای ریش بودنـد جریمه می کرد و چهارمین نفر «شاه عباس صفوی» در ایران بود.

د: احترام ریش نزد درویشان

قلندران و درویشان در عراق موی سر و ابرو را می تراشیدند و در ایران تاری از موی ریش و سبیل را به عنوان ارادت و دوستی و مردی و یا برای شرط نذر برای یکدیگر ارسال می کردند و یا گرو می گذاشتند.
در یک دوره طولانی اگر ریش کسی را می کندند آنقدر توهین آمیز بود که مرگ را بر آن ترجیح می داد و ریش داشتن را مورد احترام قرار می دادند (ولی عصر خودمان را ببینید که هر کس ریش بگذارد به او لقب امّل و عقب افتادگی می دهند) و چه بسا بعضی دولت ها ریش انسانهای مجرم را می تراشیدند و تبعیدش می کردند و یا پیاده و سواره در شهر در معرض تماشای عموم قرار می دادند.

و: داشتن ریش سیره انبیاء (ع) و دانشمندان اروپائی

سیره انبیاء و ائمه اطهار (ع) و ادیان الهی و علماء گذاشتن ریش بود و از تراشیدن آن نفرت داشتند و در بین دانشمندان جهان از جمله اروپا و سلاطین بسیاری از آنها به پیامبران در ریش گذاشتن اقتدا می کردند از جمله دانشمندان اروپائی که ریش داشته اند و عکسهایشان در کتابها و موزه ها موجود است عبارتند از:
۱- پاستور فرانسوی، ماریونی (مخترع ماشین چاپ) ۲- کوری پیر (فیزیک و شیمیدان فرانسوی کاشف رادیوم) ۳- تارینه (بزرگترین استاد معالجه امراض) ۴- یوکا من شامپیو نبر(نخستین کسی که عمل فتق را انجام داد) ۵- دکتر پرفسور امیل (مکتشف سرم معالجه دیفتری) ۶- لیستر (جراح انگلیسی) ۷- ژیرار (مخترع ماشینهای بافت کتان) ۸- گرام (زنوپ) (الکتریسین بلژیکی و مخترع دینامهای صنعتی برق).

فصل دوم

ریش تراشی از نظر دانشمندان و پزشکان

۱- سخنان دکتر «ویکتور ژورژ»:

بعضی از مردم ریش داشتن را نمی پسندند و غافل هستند که ریش داشتن بهتر و دارای منافعی است. به درستی که طبیب حاذق و مشهور ((ویکتور ژورژ)) عقیده اش این است که داشتن ریش فوائد بسیار بزرگی دارد و محقق است که ریش داشتن دهان را محافظت می نماید از امراضی که متوجه بدن و اطراف آن است و هم منع می نماید رطوبتهای زائده ای را که متوجه به جوانب دهان می شود و نگاهداری می کند و از استخوانهای دندانها و غده هائی که چشمه لعابهای دهان است.(یعنی محافظت می کند از لثه ها و یا غده هائی که در لثه ها است). در کتاب تراش ریش از نظر بهداشت ص ۲۰ آمده است که ایشان درباره ی فائده ی ریش می گوید: ریش موجب حفظ دندانها و غدد بزاقی خواهد شد.

۲- سخنان دکتر (یعقوب صروف) و (فارس نمر):

به تحقیق از برای موهای ریش و سبیل فایده هائی بزرگ است:
اولا: در منع از رسیدن ریزه های غبار به حلق از راه بینی و دهان.
ثانیا: در منع از رسیدن هوای سرد به اطراف گلو و حلق. و روایت شده که ناخدایان و کشتیبانان فرنگ که به سوی قطب شمال سفر

نموده انـد برای جسـتجوی از سیّاح مشـهود (فرنگلین) پس در آن یخچالها و هواهای سوز و زمینهای سـرد سیر قطب خیلی سـرمای سوزناک بر آنها شدید شد. ولی هیچ یک مبتلا به مرضـی نشدند بدین جهت که موهای سـر و ریش می پوشانید سر و روی آنها را و دور می کرد سوز سـردی را از حلق و گلویشان. سـپس چون بر گشـتند به سـرزمین انگلسـتان که نسـبتا به جایهای قطب گرمسیر و قشـلاق می باشد پس تمامی آنها ریشـهای انبوه خود را تراشیدند. فوری یک هفته نگذشته تمامی آنها مریض و بیمار شدند به سبب چائیدن استخوانهای گلو و اعضای حلق و دهان.

۳- در مجله «المقتبس» دمشق آمده است که :

در مجله ی المقتبس مطبوعه ی شـهر دمشق اثبات نموده که تیغهای ریش تراشان ناقل امراض و باعث سـرایت دردهاست به چهره و صورت مردان تندرست که عادت به تراشیدن ریش نموده اند.

(منظور تراشیدن صورت با تیغ است نه دیگر اعضای بدن.)

۴- ریش تراشی جماعتی در انگلستان:

جمـاعتی در انگلسـتان بر علیه و ضـد عـادت ریش تراشـی انجمن نمـوده انـد و سـخت از کـار کردن تیغی بر رخسـار ریش تراشـان جلوگیری می نماینـد و از جمله تعلیمهـای اسـلامی این جماعت سـعی و تلاش در این است که مردمان را وادار کننـد به رها ساختن ریش و ترک تراشـیدن آن؛ به این جهت که تیغهای دلاکان مایه سرایت و تعدی امراض مسریه است به لب و دهان و چهره و گلوی ریش تراشـان. و بـدرستی که این انجمن ورقه ای را چـاپ نموده و بر بزرگـان انگلیس و لوردهـای ایشـان قسـمت و پخش نموده و ایشان را به مساعـدت خود خوانـده که رها بسازند ریشـهای خود را تا این که عموم ملت از آنها تقلید و پیروی بنمایند. در این ورقه منشور دو صورت چاپ نموده بودنـد که یکی تمثال مردی که ریش خود را تراشـیده و در او جمیع زشتیها و بدیها را نمایش داده و دیگری تمثال مردی که ریش خود را رها ساخته و در او جمیع زیبائیها و خوبیها را جلوه و نمایش داده اند.

۵- به ریشهای تمامی کارکنان راه های آهن تیغ کشیدند

در زمانی ریشـهای تمامی کارکنان راههای آهن را در موسم زمسـتان تراشـیدند ، پس قسم بیشتر آنان مبتلا به درد دنـدان و اماس و اورام سـختی شدنـد، در غـده هـائی که چشـمه هـای لعـاب گلو و دهـان است و نیز گفته که: طبیب دیگری معالجه کرد کسانی که مبتلای برشـح یعنی درد زکام شـده بودنـد، همین که ایشان را امر فرمود به رها کردن ریشـهای خود، آنها هم به امر او گوش نموده ریش گذاشتند(به صحت کامیاب شدند).

۶- شیوع ریش تراشی در کشورهای غربی:

در سال ۱۹۱۱ میلادی بعلت شـیوع ریش تراشـی در کشورهای غربی و کشف مضـرّات آن عده ای از اطباء و دانشمندان اروپا برای مبارزه با ریش تراشـی در انگلسـتان تشـکیل جلسه داده و برای حفظ بهـداشت عمومی از ا ین عمل نشـریاتی منتشـر نمودنـد و بدین وسـیله مردم را متوجه ضـررهای تیغ های صورت تراشـی نموده، ضـمنا برای نتیجه گرفتن به دولت نیز پیشنهاد دادند که جهت حفظ بهداشت عمومی جدا از این کار جلوگیری نماید.

۷- بعضی از پزشکان فرانسوی می گویند:

تیغ ها (و ماشینهای) ریش تراشان ناقل امراض و باعث سرایت دردهاست و ریش تراشی، چهره و صورت مردان سالم را از بین می برد.

۸- «هانسدریش» آلمانی می گوید:

ریش برای مرد زینت است.

۹- «دکتر خوش منش»:

پوست بدن و موها بهترین مانع برای ورود میکروبها می باشند. و موی صورت کاملا از ورود میکروب ممانعت میکند. خراش پوست بوسیله تراشیدن موجب پیدا شدن راهی برای وارد شدن میکروب هاست.
موی صورت حافظ زیبائی و سلامتی آن است زیرا در اثر زیاد تراشیدن، سلولهای صورت فرسوده شده ، و به دنبال آن علائم پیری و چروک به زودی در صورت ظاهر می گردد. (کسانی که ریش دارند، از صورت سفید و لطیفتری بر خوردارند). به علاوه کسانی که ریش خود را می تراشند به خاطر زبری و خشن بودن صورتشان کودکانشان مانع بوسیدن آنها می شوند.

۱۰- «دکتر صائبی»:

در رشته «فیزیولوژی» ثابت شده بیضه مرد علاوه بر موادی که با اسم ترشح منوی به خارج می ریزد، دارای ترشح درونی است که داخل خون شده، علائم بلوغ و نشانه مردی که یکی از آن روئیدن موی صورت است به وسیله همین ترشح درونی است. چنانچه برخی که فاقد بیضه هستند از داشتن موی صورت و چهره زیبا بی بهره اند. بنابراین موی صورت یکی از نشانه های مردی است و مردان و نوابغ عالم سعی داشته اند علاوه بر صدها خصلت انسانی، این نشانه را در خود حفظ کنند.

۱۱- جریان کارخانه ی تیغ سازی:

((پل کن ریش Poul Kenrish)) شخصی است که دارای کارخانه ی تیغ سازی بوده، و روزی پانصد هزار تیغ تولید می کرده و سالها ریش میلیونها انسان را با این وسیله تراشیده ا ست. و لیکن بزرگی و زیبائی خود را در ریش گذاشتن دانسته و در تمام مدت عمرش از تراشیدن موی صورت خویش خود داری کرده است.

نتیجه گیری از این فصل:

هر گاه کسی از روی انصاف و عدل در کتابها و در مطبوعات تازه و کهنه آسیا و اروپا نظر و اندیشه نماید، مقالات بی اندازه خواهد یافت در زشتیهای عادت ریش تراشی و خوبی های گذاشتن آن. چنانچه پاره و اندکی از آن را به عرض شما رساندیم.
به این نتیجه می رسیم که ریش تراشی مایه سرایت ناخوشیهای سخت و مظهر زشتیهای خلقت و سبب سرما خوردن و چائیدن استخوانهای چهره و گلو و مرضهای اعضای حلق و فکین می شود. و هم باعث امراض زکامی و رشحی و لقوه در دندان و اورام غدد لعابیه و غیر آن می گردد.
و به این نکته پی می بریم که گذاشتن ریش مایه ی محافظت دهان و قوت تکلم و فصاحت گفتار و مانع رطوبات زائده حلق و حافظ وظائف غده های لعابی می باشد و همچنین سبب قوت و محافظت استخوانهای چهره و اعضای گلو ودهان و گرم نگه داشتن آنها است. و نیز مانع از رسیدن غبار نرم و هواهای سرد و نا ساز به سوراخهای بینی و دهان می شود.

فصل سوم

ریش تراشی از نظر روان شناسی

روان شناسان ثابت کرده اند که: انسان دارای قوه مغناطیسی است که اثر آن مخصوصا در چشمها مشهود است و به سبب نگاه کردن زنان به مردان و بالعکس این قوه تقویت شده و غریزه جنسی را در دو طرف (مرد و زن) تحریک می کند.
سیفلیس و سوزاک و دردهای دیگر که در اثر شیوع فحشاء در برخی جوامع می بینیم در اثر این قوه جاذبه می باشد. بدیهی است که تراشیدن ریش از ته و صورت را براق کردن، سبب تقویت قوه جاذبه شده و تحریک و کشش های مغناطیسی را بین زنان و مردان افزایش می دهد.
طبق نظریه علم فیزیولوژی و پسیکولوژی نیروی شهوت از سن پانزده سالگی به بعد رو به افزایش است و تا بیست و پنج سالگی ادامه دارد، هر چه انسان از سن پانزده سالگی بالا می رود سیمای او بر افروخته و روشن تر می گردد و در چشم مرد و زن شیفتگی مخصوصی پیدا می شود. از همین سالهاست که موی صورت روئیده خواهد شد و این روئیدن موی صورت و نتراشیدن آن مانع برخی مفاسد اخلاقی میان زنان و مردان شده و تا حدودی از پیش آمدن مسائل سوء شهوانی جلوگیری می نماید. بر عکس مرد با تراشیدن ریش زنان و دختران را بیشتر متوجه خود می سازد و در شیوع فحشاء و تحریک غریزه جنسی نقش موثری دارد.
سوال:چرا عده ای از ریش گذاشتن فرار می کنند؟
عده ای به خاطر نداشتن آگاهی و برخور دار نبودن از ایمان قوی و از همه بیشتر به خاطر مسخره شدن مقدسات مثل حجاب و ریش و ... توسط انسانهای جاهل سعی می کنند به خاطر در امان ماندن از حملات و طعن آنها ریش خود را بزنند، و برای تراشیدن ریش خود بهانه هائی بیاورند. لذا این افراد گاهی می گویند که ما به خاطر رعایت بهداشت صورت خود را می تراشیم در حالی که می توان ریش داشت و بهداشت را هم رعایت کرد و اگر واقعا مسئله بهداشت مطرح است، چرا موهای سرشان را نمی زنند.
و گاهی می گویند: مسئله ریش گذاشتن مربوط به صدر اسلام می باشد به خاطر اینکه عربستان منطقه گرم و سوزانی بوده، اسلام برای حفظ پوست صورت دستور گذاشتن ریش را داده ، این توجیه هم بطلانش با آن همه دلیل بر ضررهای تراشیدن ریش روشن است.
عده ای برای اطاعت نمودن از همسر خود این فعل را انجام می دهند،عده ای هم به خاطر تقلید از دیگران.
و چه زیبا شاعر سروده است:
خلق را تقلیدشان بر باد دادای دو صد لعنت بر این تقلید باد
عده ای هم به خاطر غفلت از زیانهای بهداشتی آن، عده ای هم به دلیل زیبائی، چهره ی خود را با نداشتن مو در صورت می دانند، عده ای هم تمدن را به تراشیدن ریش می دانند، و عده ای هم برای فرار از ریش گذاشتن می گویند: انسان کارهای دیگرش را درست کند در حالی که این حرف هم درست نیست، زیرا اسلام مجموعه ای از دستورات حیات بخش است که باید واجبات آن را عمل کرد و محرماتش را ترک کرد، اگر ریش تراشی حرام شد، باید انجام نداد و این توجیهات پذیرفته نیست.

نکات مهم:

۱- بر اساس اینکه اسلام به نظم و مرتب بودن انسان در تمام مراحل زندگی سفارش نموده، شایسته است انسان مسلمان محاسن خود را مرتب شانه نماید و از ژولیدگی و بی قوارگی ریشهایش جلوگیری نماید تا ظاهری زیبا و پاکیزه داشته باشد و سبب ترغیب

مردم به دین گردد.

انشاءالله روایات شانه کردن ریش را در چند فصل آینده خواهد آمد.

۲– امکان دارد بعضی از اشخاص نخواسته باشند محاسن بلند یا معمولی داشته باشند، چنین افرادی می توانند ریش های خود را طوری کوتاه کنند که عرفا ریش دار بودن صدق کند. آنچه در اسلام حرام می باشد زدن ریش از ته است و دیگر فرقی بین ماشین و تیغ نیست.

۳– روایاتی که آورده می شود در فضیلت ریش گذاشتن روشن می کند که اسلام ضمن بها دادن به معنویت و باطن به ظواهر بسیار اهمیت می دهد. لذا یک مسلمان وظیفه دارد هم در جهت معنویت و ارتقاء مکارم اخلاق تلاش نماید و هم ظواهر خود و خانه و خانواده اش را بر اساس گفته های ائمه اطهار علیهم السلام حفظ نماید و اگر نتوانست در جهت باطن و پرورش روح رشد کند لااقل ظاهرش را اسلامی نگه دارد، نه اینکه بگوید: اکنون که من از جهت معنوی و اخلاقی مشکل دارم پس ظاهر را درست کردن چه فایده ای دارد و با تراشیدن ریش گناهی را بر سایر گناهان بیفزاید.

فصل چهارم

تراشیدن ریش از منظر قرآن

سوال: آیا قرآن اشاره ای به حرمت ریش تراشیدن کرده است؟

جواب: آری. در چند آیه از قرآن می رساند که تراشیدن ریش حرام است.

« و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن»

در کتاب گرانسنگ و ارزشمند وسائل الشیعه از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (ره) که در وثاقت و اعتبار او حرفی نیست در ذیل آیه ی شریفه از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند:

وقتی خداوند حضرت ابراهیم (ع) را خوب مورد امتحان قرار داد به اینکه فرزندش اسماعیل را ذبح کند، حضرت ابراهیم (ع) پس از بیدار شدن تصمیم بر ذبح فرزند خویش گرفت و پروردگار هم به جهت پاداش حضرت ابراهیم(ع) فرمود:

«پروردگار هم به جهت پاداش به حضرت ابراهیم (ع) فرمود: ما تو را امام بر مردم قرار دادیم و سپس ((حنیفیت)) یعنی پاکیزگی که ده چیز پاک است را بر او نازل کرد، حضرت هم آنها را با خود آورد که تاکنون نسخ نشده و تا روز قیامت هم نسخ نشده و تا روز قیامت هم نسخ نخواهد شد که پنج چیز آن راجع به سر و عبارت است از:

۱– گرفتن شارب(سبیل)۲– ریش گذاشتن۳– تراشیدن موی سر۴– مسواک کردن۵ – خلال نمودن.

و پنج چیز دیگر آن مربوط به بدن است که عبارتند از:

۱– تراشیدن موهای زائد بدن۲– ختنه کردن ۳– ناخن گرفتن ۴– غسل جنابت ۵– طهارت با آب.

تا اینجا معلوم شد که بنا به فرموده ی حضرت امام صادق (ع) یکی از احکام دهگانه ی آئین ابراهیمی ریش گذاشتن استکه خداوند بر حضرت ابراهیم (ع) نازل فرموده است.

خداوند تبارک و تعالی در سوره نحل می فرماید:

اتبع مله ابراهیم حنیفا.

ترجمه: (ای رسول ما از آئین حنیف و پاک حضرت ابراهیم (ع) تبعیت کن).

و معلوم شد یکی از احکام این آئین ابراهیمی گذاشتن ریش است.

حال آیا تنها پیامبر اسلام مامور به پیروی از آئین ابراهیمی می باشند؟ خیر زیا خداوند در سوره آل عمران فرموده:

«قل صدق الله فاتبعوا مله ابراهیم حنیفاً»

ای پیامبر به امت خود بگو، راست گفت خدا: از آئین پاک ابراهیم (ع) پیروی کنند.

« و ما اتئکم الرسول فخذوه و ما نهئکم عنه فانتهوا».

ترجمه: آنچه را پیغمبر برای شما آورده (از حکم) آنرا بگیرید و از آنچه شما را نهی فرموده است خودداری کنید).

و ما روایات زیادی از پیامبر اکرم داریم پیرامون نهی از تراشیدن نهی و امر نمودن به گذاشتن ریش.

«و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه».

ترجمه: (و خودتان را به دست خودتان به هلاکت نیندازید).

چون تراشیدن ریش دارای امراضی است لذا قرآن هم اشاره دارد که نباید کسی خود را به هلاکت بیندازد، آنهم بدست خود و امراض آن را ما در فصل اول آوردیم

پس با توجه به پنج آیه ی فوق و فرمایش امام صادق علیه السلام روشن شد که بنا به آیات قرآن، هم پیامبر و هم امت ایشان مامورند به ریش گذاشتن.

ممکن است (درباره ی آیه ۹۵ سوره آل عمران) گفته شود «اتبعوا» صیغه ی امر است و دلالت ب رمطلق مطلوبیت اعم از وجوب و استحباب دارد، لذا ممکن است این پیروی کردن واجب نباشد بلکه مستحب باشد.

در جواب عرض می شود درست است که صیغه ی امر دلالت بر اعم از وجوب و استحباب دارد، لکن در صورتی که قرینه ی حمل بر استحباب موجود نباشد، عقل حکم بر لزوم اطاعت از امر مولی می کند و در این آیه ی شریفه این چنین است.

باز ممکن است گفته شود قرینه بر استحباب موجود است و آن اینکه ریش گذاشتن در سیاق بعضی از مستحبات قرار گرفته پس به حکم وحدت سیاق باید حمل بر استحباب شود.

عرض می شود بله در سیاق بعضی از مستحبات قرار دارد لیکن در بین این ده چیز غسل جنابت هم وجود دارد که یکی از غسلهای واجب می باشد، به همین دلیل می توان گفت در اینجا قرینه حمل بر استحباب وجود ندارد و لذا هر کدام از اینده چیز به سبب صیغه ی اتبعوا عقلاً واجب خواهد بود مگر اینکه رخصتی از جانب شارع به ما رسیده باشد که در بعضی از اینها همچون مسواک زدن رخصت رسیده و در بعض دیگر مانند غسل جنابت و ریش تراشی رخصتی به ما نرسیده است.

نتیجه این که ریش گذاشتن به حکم عقل واجب می باشد.

فصل پنجم

سیره ی عملیه ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن و دلیل عقلی بر لزوم ریش گذاشتن

سیره ی عملیه ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن

وقتی انسان با دقت به تاریخ زندگی انبیاء و اولیاء (ع) نظر می کند در می یابد که از زمان حضرت آدم (ع) تا عصر حاضر از پیامبران ، اولیاء، صدیقین و صلحاء و هر کس که معتقد به دین بوده ، ریش تراش نبوده اند و آن را از منکرات می دانسته اند و احدی از علماء و رهبران دینی یعنی مراجع معظم تقلید شیعه بلکه علماء اهل تسنن و حتی علماء ادیان دیگر و بعضی از سلاطین و اطباء و دانشمندان خارجی مرتکب ریش تراشی نشده اند.

خوب اهتمام ورزیدن انبیاء و اولیاء و رهبران دینی در طول زمانها به ریش گذاشتن و نتراشیدن ریش حتی برای یک مرتبه کشف از

این نمی کند که ریش گذاشتن مطلوب مولی بوده و حجتی است بر علیه کسانی که ریش می تراشند؟ حتماً جواب خواهید داد بلی.

دلیل عقلی بر لزوم ریش گذاشتن

یکی از دلائلی که بر لزوم ریش گذاشتن اقامه شده است دلیل عقلی است به این ترتیب که:
عقل سالم به هر انسانی حکم می کند که عبد و بنده ی مولا، کسی است که در تمام رفتار و کردار متوجه مولای خود بوده و در هیچ لحظه ای دمی بر خلاف رضای مولای خود بر ندارد که اگر برداشت دیگر بنده ی او نیست بلکه بنده ی همان است که در تحت سلطه ی او قرار دارد چرا که هر چه در بند آنی بنده ی آنی. و بر کسی پوشیده نیست که مولای حقیقی و آنکه، هر کس هر چه دارد از خدای تبارك وتعالی است و دیگران همه بنده ی او هستند و اقتضای بندگی این مولای عزیز، این است که هر چه او از ما خواسته به همان نحو مطلوبی که مورد رضایتش می باشد بجا آوریم تا بدین وسیله به وظیفه بندگی خویش عمل کرده باشیم.
ریش گذاشتن یکی از اموری است که نبابر حسب آنچه از منابع موجود بر می آید (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مطلوب مولای حقیقی بوده و ترخیصی هم از او در تراشیدن آ« به ما نرسیده، لذا بندگی اقتضاء می کند هر کس خود را بنده ی او می داند ریش خود را نتراشد تا به وظیفه ی بندگی خویش عمل کرده باشد که اگر خدای ناکرده تراشید از زمره ی بندگان او خارج شده و از دیدگاه عقل سلیم کاری ناپسند و قبیح مرتکب گشته و استحقاق عقاب هم دارد.
به امید اینکه در باقی مانده ی عمر خویش در زمره ی بندگان شایسته ی او قرار گرفته و نواهی او را ترك و دستوراتش را آن طور که مورد رضایت او می باشد عمل نمائیم. انشاء الله.
(در پاورقی – شیخ عباس قمی در منتهی الآمال در ماه رجب تعجب می کنم از کسانی که ریش ندارند .... حرم شیبتی علی النار)

فصل ششم

احادیث درباره ی ریش و ریش تراشی

بخش اول: احادیث درباره ی ریش گذاشتن

حدیث اول: ریش گذاشتن دستور خداست
خسرو پرویز پادشاه ایران برای باذان (پادشاه یمن) نامه نوشت که دو نفر از مردان دلیر خود را به مدینه بفرست تا پیامبر اسلام را به خدمت ما بیاورند، باذان دو نفر به نامهای (بانویه) و (خرخسك) را به مدینه حضور پیامبر فرستاد.
این دو نفر وارد مدینه شده و حضور پیامبر رسیدند بانویه بعرض رساند که پادشاه ایران (کسری) برای پادشاه یمن (باذان) نامه نوشته و فرمان داده دو نفر از مردان خود را به سوی شما فرستد شما را به خدمتش ببرند، باذان هم ما را فرستاده تا با هم به حضور پادشاه ایران برویم، اگر این پیشنهاد را می پذیرید، من نامه ای برای سلطان ایران می نویسم و در آن نامه سفارش شما را می کنم که اذیت و آزاری به شما نرساند. و الا خودتان می دانید که کسری شما را کشته و بلاد شما را نیز ویران می کند، این دو نفر که حضور پیامبر رسیده بودند ریشهای خود را تراشیده و سبیل های خود را گذاشته بودند، حضرت از روی کراهت فرمودند: وای بر شما چه کسی شما را به این وضع امر کرده؟ گفتند: خدای ما کسری، پس حضرت فرمودند:
«امرنی ربی ان اعفی لحیتی و اقص شاربی»
خدایم به من دستور داده که ریش را بلند و شاربها را کوتاه سازم.
شاهد روایت : ریش تراشیدن امری قبیح و مورد غضب پروردگار بوده که پیامبر از دیدن آنها کراهت داشته اند و کلامشان را با

کلمه ی ویـل که نام وادی جهنم است شـروع کرده انـد، همین دو امر کفایت می کنـد بر اینکه ریش تراشـی جایز نیست و لـذا اگر کسی از روی عمد مرتکب شود محروم از بهشت و مستحق عقاب الهی خواهد بود.

حدیث دوم: ریش زینت حضرت آدم (ع) و فرزندان ذکور اوست

عن النبی : لَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ علیه السلام أَتَاهُ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ هُوَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ- وَ يَقُولُ يَا آدَمُ حَيَّاكَ اللَّهُ وَ بَيَّاكَ- قَالَ أَمَّا حَيَّاكَ اللَّهُ وَ بَيَّاكَ الله- قَالَ فَسَجَدَ آدَمُ علیه السلام فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ يَا رَبِّ زِدْنِي جَمَالًا فَأَصْبَحَ وَ لَهُ لِحْيَةٌسَوْدَاءُ كَالْحُمَمِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا- فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذِهِ؟ فَقَالَ هَذِهِ اللِّحْيَةُ زَيَّنْتُكَ بِهَا أَنْتَ وَ ذُكُورَ وُلْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَه.

ابن مسعود از نبی اکرم روایت کرده: چون خداوند توبه حضرت آدم (ع) را قبول کرد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: من فرستاده ی خـدا به سوی تو هسـتم خـدا به تو سـلام می رسانـد بعـد خود جبرئیل گفت: زنـده بـدارد تو را خـدا و خنـدان سازد تو را خدا. پس حضـرت آدم (ع) سجده کرد، سپس سر از سجده برداشت و رو به طرف آسمان گفت: پروردگارا جمال مرا زیاد کن، صبح که شد ریش سـیاهی در صورت او روئیـده شـده بود بـا دست آنهـا را گرفت و عرض کرد: پروردگـارا این چیست؟ خطاب شـد: این ریش است که زینت دادم تو را و فرزندان پسر تو را به آن تا روز قیامت.

از این حـدیث اسـتفاده می شود آنچه را که خالق هستی زینت دهنـده ی و زیبنـده مقام حضـرت آدم (ع) و فرزندان ذکور او تا روز قیامت دانسته ریش است و بهه یمن جهت که ریش زینت مردان است و در زبان فارسی هم از آن به محاسن یاد می شود.

حدیث سوم: ریش نشانه مرد بودن و سبب عزت آقایان است

عن الصادق (ع): ... فاذا ادرک و کان ذکراً طلع الشعر فی وجهه فکان ذلک علامه الذکر و عز الرجل الذی یخرج به من حد الصبا و شبه النساء و ان کانت انثی یبقی وجهها نقیا من الشعر لتبقی لها البهجه و النظاره التی تحرک الرجال لما فیه دوام النسل و بقاوه.

امام صادق (ع) فرمودند:

زمانی که انسان به حد بلوغ رسید، اگر مرد بود مو در صورت او روئیده می شود که این موهم علامت مرد بودن و هم موجب عزت او خواهد بود.و بوسیله ی آن از مرحله ی کودکی و از شباهت داشتن به زنان خارج می شود و اگر زن بود در صورت او مو روئیده نمی شود تا اینکه زیبائی و طرواوتی که تحریک کننـده ی مردان است به ازدواج و در سایه ی آن تولید نسل و بقاء انسان انجام می گیرد باقی بماند.

سپس حضـرت فرمودنـد: اگر مو در صورت مردی روئیـده نشود آیا در شـکل کودکان و زنان نمی ماند. بعد فرمودند: دیگر وقار و شکوهی در او دیده نمی شود.

در ادامه حـدیث آمـده است که مفضـل عرض کرد: من عـده ای از مردها را دیـده ام که در سن پیری از صورتشان مو روئیـده نمی شود. حضرت فرمودند: «این به خاطر اعمالی است که در قبل از شماها سر زده است و خدا به بندگان خویش ظلم نمی کند».

پس روئیدن مو در صورت مردان نشانه ی خروج از زمان طفولیت و شباهت نداشتن به زنان و سبب شکوه و وقار آنها خواهد بود.

حدیث چهارم: بر خلاف مشرکین باشید

رسول خدا فرموده اند:

بر خلاف مشرکین باشید سبیل ها را از ته کوتاه کنید و محاسن را بلند بگذارید.

بخش دوم: احادیث در باب تراشیدن ریش

حدیث اول: ریش تراشیدن تغییر فرمان خداست

قال الله تبارک و تعالی : و قال لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً و لاضـلنهم و لامنینهم و لآمرنهم فلیبتکن آذان الانعام فلیغیرن خلق

الله.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: شیطان می گوید هر آینه فرا می گیرم از بندگان تو بهره ای که مقرر شده و هر آینه گمراه می کنم و آرزومند می سازم ایشان را و امر می کنم که بشکافند گوشهای چهارپایان را و تغییر دهند خلقت خدا را.

شاهد در قسمت آخر آیه است که شیطان می گوید: من امر می کنم که بندگان تو تغییر دهند خلقت تو را البته.

سئوال: تغییر در خلقت چیست که شیطان دستور به آن می دهد؟

حواب: از امام باقر و صادق در جد سوم تفسیر تبیان ص ۳۳۴ رویات شده که مراد از تغییر، تغییر در فطرت توحید و تغییر در فرمان خداست. بنابر فرمایش این بزرگواران آیا ریش تراشیدن از موارد تغییر در فطرت توحید و فرمان خدا نیست؟ چرا. به دلیل اینکه انسانها فطرتاً محد و خداپرست و عامل بهدستورات خدا خلق شده اند و بر همین اساس با تمام وجود به دستورات او عمل می کنند و هیچگاه بر خلاف فرامین او عمل نخواهند کرد، حال کسی که بر اساس وسوسه های شیطانی ریش می تراشد در حقیقت بر خلاف فرمان پروردگار خود عمل می کند چرا که پیامبر فرموده اند: پروردگارم به من امر کرده که ریشم را بگذارم.

حدیث دوم: تراشیدن ریش از مصادیق مثله است

رسول خدا فرموده اند:

حلق اللحیه من المثله و من مثل فعلیه لعنه الله.

تراشیدن ریش از مثله(شکنجه و آزار جسم و روح) است و هر که مثله کند بر او باد لعنت خداوند.

مثله یعنی بریدن و قطع کردن گوش یا بینی یا لب و یا انگشتان و ... که نبی اکرم از آن نهی فرموده اند حتی در مورد سگ گزنده و در این روایت پیامبر ریش تراشیدن را از مصادیق مثله کردن شمرده اند که این خود دلیل بر حرمت ریش تراشی دارد.

حدیث سوم: تراشیدن ریش سیره ی مجوسیهاست

رسول خدا فرموده اند:

حفوا الشوارب و اعفوا الحی و لا تتشبهوا المجوس.

همانا مجوسیها ریشهای خود را می زدند و سبیلها را نمی زنند، اما ما سبیلهای خود را می زنیم ولی ریشهای خود را نمی زنیم و این فطرت دین است و تغییر نمی کند. در روایتی دیگر آمده است که سبیلهای خود را بزنید و ریشهای خود را نتراشید و خود را شبیه آتش پرستها قرار ندهید.

حدیث چهارم: عمل قوم لوط

قوم لوط مردمی آلوده و ناپاک بودند که خداوند سبحان در اثر عمل شنیع لواط آنها را نابود ساخت و یکی از اعمالی که سبب نازل شدن عذاب بر آنها شد تراشیدن ریش بود.

رسول خدا فرموده اند:

ده عمل زشت و گناه باعث عذاب قوم لوط شد، یکی عمل لواط و آن حضرت بقیه اعمال آنها را شمرد تا اینکه فرمود: و تراشیدن ریش و بلند گذاشتن سبیل ها دو عمل و گناهی بود که سبب از بین رفتن قوم لوط شد.

حدیث پنجم: تراشیدن ریش همراه با مسخ شدن

حضرت علی (ع) فرمودند:

در زمان گذشته گروهی ریش تراشیدند و سبیلها را می تا بیدند حق تعالی ایشان را مسخ کرد.

خوب به این حدیث توجه فرمائید ببینید که مولا حضرت علی (ع) می فرماید: عده ای به خاطر اینکه ریش خود را تراشیدند مسخ شدند.

سئوال: ممکن است عده ای بپرسند مسخ در امت اسلام نخواهد بود و این حدیث نمی تواند دلیل حرمت باشد؟

مسخ در مقابل نسخ است که هب معنای قطع علاقه یک روح از بدن و تعلق آن بر بدن انسان و یا حیوان دیگر است که به آن تناسخ هم گفته می شود. از نظر علمای اسلامی نسخ یا همان تناسخ باطلاست و چنین چیزی امکان پذیر نیست. هر چند که بعضی از فلاسفه آن را پذیرفته اند.

ولی مسخ یعنی تبدیل شکل انسان به شکل حیوان ، مورد پدیرش اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اسلامی است و ظاهر آیات و روایات به آن دلالت دارد.

در قرآن آیاتی مربوط به مسخ است که عبارتند از: (یس/۶۷، بقره/۶۵، نساء/۴۷، اعراف/۱۶۳-۱۶۷، مائده.۶۰) .

این آیات به روشنی بر یک حقیقت دلالت دارند و آن اینکه گروهی از گنهکاران در میان امتهای پیشین به صورت بوزینه و خوک مسخ شده اند به این صورت که چهره و قیافه انسانی آ«هاتغییر یافته و به شکل حیوان در آمده است. نوع دانشمندان اسلامی این حقیقت را به همین صورت پذیرفته اند و آن را یک معجزه الهی می دانند.

تغییر شکل ظاهری انسان به حیوان از لحاظ عقلی محال نیست و ما نمی توانیم به صرف استبعاد، از ظاهر روشن آیات قرآنی دست برداریم بخصوص اینکه ظواهر این آیات را روایتهای متعددی تقویت میکند.

از جمله این روایات روایات متعددی است که درباره اصحاب سبت وارد شده، بعضی از این روایات را مرحوم علامه مجلسی (ره) در کتاب شریف بحارالانوار ج ۱۴ ص ۵۰ به بعد آورده است.

و در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام فرمودند: از خوردن مسوخ منع شده تا مردم از آنها نفع نبرند و عقوبت را خفیف نشمارند.

روایات در این زمینه زیاد است تا جایی که در پرسشی که از سید مرتضی شده ادعای تواتر این روایات را نموده است.

گاهی کفته می شود که این کار با سیر کمالی انسان مخالف است و از لحاظ فلسفی انسان نمی تواند در سیر استکمالی خود به ناقص برسد و یا قهقرا کند، پاسخ این اشکال روشن است زیرا چون ماهیت انسان تغییر نمی یابد بلکه فرد مسخ شده با حفظ ماهیت انسانی خود فقط از لحاظ قیافه به شکل حیوان دیده می شود که نوعی عقوبت الهی است و اساساً تغییر چهره ی انسانی ربطی به مراحل استکمالی او ندارد و گرنه باید تغییر قیافه ی شاداب یک جوان به قیافه ی افسرده ی پیر که در طول زمان صورت می گیرد نیز محال باشد در حالی که چنین نیست و همواره جوانها پیر می شوند و قیافه های نامطلوبی به خود می گیرند.

مرحوم سید مرتضی علم الهدی ضمن تائید اینکه چنین تغییر قیافه ای محال نیست پرسشهایی را در این زمینه مطرح می کند. از جمله اینکه، چگونه تغییر قیافه انسان با شکل حیوان، مجازات محسوب می شود؟ در پاسخ می گوید: اگر این شکل در آغاز به همین صورت آفریده شده باشد، مجازات نیست ولی اگر یک انسان زنده ای که به زیباترین شکل ممکن آفریده شده تغییر کشل بدهد و به صورت حیوان در آید، این مجازات است زیرا که شخص از این تغییر دچار غم و غصه و تأسف می شود.

یعنی آنها از وضع خود آگاهی داشتند و رنج می برند.

مطلبی که باقی می ماند این است که آیا مجازات مسخ مخصوص امهای پیشین بوده و برای امت اسلامی چنین مجازاتی اعمال نخواهد شد و یا این یک کیفر عمومی است احتمال وقوع آن همواره موجود است؟

در بعضی از کتابها به ابن عباس نسبت داده شده که او گفته است این مجازات به امتهای پیشین اختصاص داشت.

و مرحوم علامه مجلسی (ره) گفته است تمام مجازاتهای امم گذشته در این امت هم وجود دارد منتهی به صورت معنوی است. و مسخ در این امت بهمعنای مردن قلب و روح انسانی و حرمان از علم وک مال است هر چند که به ظاهر صورت آدمی داشته باشد.

ولی روایاتی وارد شده که در میان امت اسلامی هم امکان مسخ وجود دارد . در روایتی آمده که شخصی که با حضرت علی (ع)

عناد می کرد و با نفرین او به صورت سگ در آمد.

و در روایتی آمده که عمر بن سعد قاتل امام حسین (ع) پس از کشته شدن به صورت بوزینه ای در آمد که در گردنش زنجیر بود.

و همچنین در روایتی از پیامبر اسلام آمـده است که در میان امت من نیز خسف و مسخ اتفاق می افتد. و در روایتی از امام صادق (ع) آمده که بنی امیه در حال مرگ مسخ می شدند و از جمله عبدالملك بن مروان به شکل قورباغه در آمد.

و در روایتی هم آمده است که: هیچ یك از بنی امیه نمی میرند مگر آنکه به صورت چلپاسه (مارمولك) مسخ می گردند.

با این توضیحاتی که داده شد احتمال مسخ شدن وجود دارد .

حدیث ششم: دلیل حرمت ریش تراشی

روی عن حبابه الوالبیه انها قالت: رأیت امیرالمومنین (ع) فی شرطه الخمیس و معه دره یضرب بها بیاعی الجری و المار ماهی و المیر و الطافی و یقول لهم یـا بیـاعی مسوخ بنی اسرائیل و جنـد بنی مروان فقـام الیه فرات بن احنف فقال له یاامیرالمومنین و ما جنـد بنی مروان؟ فقال (ع): اقوام حلقوا اللحی و فتلوا الشوارب فمسخوا.

علامه محمـد باقر مجلسـی (رحمه الله) به نقل از مرحوم کلینی(رحمه الله) از حبابه الوالبیه روایت کرده که می گوید: دیدم حضـرت علی (ع) را در جلو لشکر بـا تازیـانه ای فروشـندگان مـاهی جری و مـار مـاهی و مـاهی زمیر و مـاهی طـافی(انواع مـاهی های حرام گوشت) را می زدنـد و می فرمودند: ای فروشـندگان مسوخ بنی اسـرائیل و بنی مروان. پس فرات ین اخنف بلند شد و عرض کرد یا علی لشـکر بنی مروان چـه کسـانی هسـتند؟ حضـرت فرمودنـد: «اقـوام حلقـوا اللحی و فتلـوا الشـوارب فمسـخوا». اقـوامی بودنـد که ریشـهایشان را می تراشـیدند و سبیلها را تاب می دادنـد و خـدا هم ایشان را مسـخ نمود. (در اثر این دو گناه مسخ شدند و به شـکل حیوانات در آمدند).

حدیث هفتم: تراشیدن ریش از کارهای بابیت است

او در اقدس ص ۴۲ می گوید: پوشـیدن لباس ابریشم برای مردها حلال است و محدود شدن در لباس و ریش برداشـته شود شما در پوشیدن هر نوع لباس و تراشیدن ریش آزادید.

حدیث هشتم: ریش تراشی شبیه نمودن مرد است صورت خود را به صورت زن

عن الباقر (ع) انه قال: ان رسول الله لعن المشتبهین عن الرجال بالنساء و لعن المشتبهات من النساء بالرجال.

از امام باقر (ع) روایت شده که رسول اکرم لعنت کرده اند مردانی که خود را به شکل زنان و زنانی که خود را به شکل مردان در آورند.

ستودن محاسن برای مردان

چنانچه زنان در پوشاندن صورت آرایش کرده و زینت یافته ی خویش وظایفی دارند برای مردان نیز سزاست که صورت خویش را از محاسن خالی نگذارند و در حقیقت سیمای مردان با وجود محاسن نشان تمایز آنان از زنان است.

امـام صـادق (ع) می فرمانیـد: ریش در صورت سـبب عزت مرد است و بوسـیله محـاسن مرد از بچه بودن خـارج می شود و همچنین صورتش مثل صورت زنان نخواهد بود.

از امام رضا (ع) سئوال شد چه امتیاز و ارزشی در ریش است که مردان دارند ولی زنان ندارند؟

امام فرمود:

زین الله الرجال باللحی و جعلها فضلاً یستدل بها علی الرجال من النساء.

خداوند مردان را بوسیله ی محاسن زینت داده است و فضیلتی برای مردان است و بوسیله ریش مردان از زنان شناخته می شوند.

رسول خدا فرمودند: لیس منا من سلق و خرق لا حلق.

مسلمان واقعی نیست کسی که با بی شرمی سخن گوید و مال خود را تبذیر کند و محاسن خود را بتراشد.

از امام رضا (ع) سئوال شد:آیا برای مرد جایز است ریش خود را بتراشد؟

خضرت فرمود: دو طرف صورت (گونه ها) و زیر گردن اشکال ندارد، اما بقیه صورت جایز نیست.

باید توجه داشت که آنچه در اسلام نکوهیده و حرام می باشد تقلید مسلمانان در فرهنگ و آداب و رسوم از بیگانگان است و اینکه حرکاتی با لباس و ... از خود نشان دهند که در جامعه انگشت نما شوند. زیرا وقتی مسلمانی که اطلاع چندانی ازد ین خود ندارد در نام گذاری فرزند، خیابان، پوشیدن لباس و چهره، غذا خوردن و شکل ساختمان و ... به کفار اقتداء کنند، به تدریج فرهنگ و هویت خد را فراموش می کنند و متاسفانه چه بسا افرادی بوده اند کهدر اثر بی اطلاعی از اسلام ابتدا در مسائل جزیی از بیگانگان تقلید کرده اند و این کار به مرور زمان بر وسعت خود افزوده تا جایی که به طور کلی اصلت خود را از دست داده اند بر همین اساس است که رسول خدا و ا ئمه اطهار (ع) به شدت شبیه شدن به بیگانگان را منع فرموده اند و یکی از علل آنکه ریش تراشی در اسلام گناه بزرگی محسوب شده است برای آن است که شخصی که مرتکب این عمل شود عالوه بر ضرر جسمی که این عمل دارد خود را شبیه بیگانگان و کفار نموده است.

رسول خدا فرموده اند:

« لیس منا من تشبه بغیرنا»

کسی که خود را شبیه به غیر مسلمانان در اورد از ما نیست.

« من تشبه بقوم فهو منهم»

هر کس خود را شبیه گروهی کند ، از آنها محسوب می شود.

«لیس منا عن عمل بسنه غیرها»

مسلمان واقعی نیست کسی که به دستور (آداب و رسوم بیگانه) عمل نماید.

بخش سوم: شانه کردن ریشها و چهارده منفعت آن

مخفی نماند کسی که ریش خود را می تراشد(به هر نحوی که باشد با تیغ یا ماشین) از این منافع بی بهره است و از بسیاری از فوائد و برکات شانه کردن ریش به دور است. و شانه کردن ریش دارای چهارده منفعت است که از روایات و احادیث اهل بیت (ع) بدست آمده است.

۱۴ فائده شانه کردن ریش

۱-مو را نیکو می کند ۲- حاجت را بر می آورد۳- در(نیروی) صلب او می افزاید ۴- بلغم را دفع می کند ۵- دندان را محکم می کند ۶- حافظه را زیاد می کند ۷- شانه کردن ریش پی هر وضو فقر را بر طرف می کند ۸- درد را از جسد بیرون می کند ۹- کرم را از بینی دور می کند ۱۰و۱۱- گوشت و لثه بین دندان و لثه را پاك می کند ۱۲- هر کس ریش خود را ۷۰ بار شانه کند یکبار یکبار شیطان چهل روز نزدیک او نیاید ۱۳- زرداب را خاموش می کند ۱۴- با شانه ی عاج (استخوان فیل) شانه کردن ، مو را در سر می رویاند.

در روایات اسلامی آمده است که یکی از شیوه های درمان وسواس شانه کردن محاسن می باشد.

ریشها را نشسته شانه کنید

۱- امام صادق (ع) فرمودند:

هر کس ایستاده محاسنش را شانه کند قرض او را فرا می گیرد.

۲- امام صادق (ع) فرمودند:

در حمام محاسنت و موهایت را شانه نکن که مو را سست می کند.

۳- حضرت علی (ع) می فرماید:

شانه کردن ایستاده فقر می آورد.

۴- حضرت امام کاظم (ع) می فرماید:

شانه کردن ریش در حال ایستاده دل را ضعیف و در حال نشسته دل را قوی می کند.

کمتر از حد عرفی نبودن

ریش باید کمتر از حد عرفی نباشد یعنی اینکه در عرف بگویند: فلانی ریش دارد و این معنا وقتی تحقق پیدا می کند که موی صورت به اندازه ای بلند باشد که بتوان با سر انگشتان آنها را گرفت.

دعای وقت شانه کردن

اللهم صل علی محمد و آل محمد و البسنی جمالا فی خلقک و زینه فی عبادک و حسن شعرتی و بصری و لا تبتلینی بالنفاق و ارزقنی المهابه بین بریتک و الرحمه من عبادک یا ارحم الراحمین.

خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیت محمد ، و عطا کن مرا صورتی نیکو در بین خلق خودت و زیبایی در بین بندگانت و نیکو کن موی مرا و چشم مرا و مبتلا مکن مرا به دورویی و عنایت کن که من فروتنی بین آفریدگان خودت و مهربانی را نسبت به بندگانت ای مهربانترین مهربانان.

فصل هفتم

اشاره

شارب (سبیل)

الف: نوشیدن آب با سبیل بلند از لحاظ بهداشتی

رعایت بهداشت، در تمامی خوردنی ها و نوشیدنی ها لازم و ضروری است، اگر موی سبیل بلند باشد به ناچار با خوردنی های مختلف تماس خواهد داشت.

اگر شخصی دودی و سیگاری باشد سبیلهایش از دود سیگار پوشیده و آلوده خواهد شد که در موقع نوشیدن آب با آب تماس پیدا کرده و میکروبهای مختلف به آب انتقال یافته ، دوباره به درون بدن او بر می گردد. بدین جهت در دین اسلام از نوشیدن آب با سبیل بلند نهی شده و مورد مذمت قرار گرفته است.

سبیل بلند از نظر پزشکی هم پسندیده نیست. پس دقت فرمائید که از قدیم گفته ا ند:

«الشارب بالشارب کالشارب»(۱- مثل مشهور است) هر کس ، با سبیل بلند آب بنوشد مانند کسی است که شراب بنوشد(آشامیدن با سبیل مانند آشامیدن مشروب است).

مخفی نماند این تشبیه ها و سخت گیریها بیشتر به خاطر حفظ بهداشت خود و اجتماع می باشد که باید پرهیز کرد و گر نه هیچ وقت گناه آب نوشیدن با سبیل بلند با گناه شرابخواری در کفه ترازو مساوی نخواهد بود.

۱- رسول خدا فرمود:

«لا یطولن احدکم شاربه فان الشیطان یتخذه جنه یستتر به»

هر گز کسی سبیلش را بلند نکند، چون شیطان آنجا را برای خود پناهگاه (سپر استتار) قرار می دهد.

در روایت دیگر آمده است که حضرت فرمودند:

«لا یطولن احدکم شاربه و لا عانته و لا شعر اِبطه فان الشیطان یتخذها مخابی یستتر فیها.»

۲- امام صادق و حضرت علی علیهما السلام می فرمایند: گرفتن سبیل از جمعه تا جمعه دیگر امان از مرض جذام است.

۲-کوتاه کردن سبیل از دین حنیف ابراهیمی(ع) است.

۴- از سنتهای سر کوتاه کردن سبیل است.

۵-امام صادق (ع) فرمود:

شارب گرفتن رفع غم و وسواس کند.

۶-رسول خدا فرمود:

شارب را از ته بگیرید ، به یهودیان و گبران خود را شبیه مگردانید و فرمود: نیست از ما کسی که شارب خود را نگیرد.

۷-امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد، در وقت گرفتن بگوید«بسم الله و بالله و علی سنه محمد و آل محمد» بعدد هر ریزه ای که از مو و ناخن او بریزد حقتعالی ثواب یک بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کردن را به او عطا فرماید، بیمار نشود مگر به بیماری مرگ.

ب: عاقبت بلند نگه داشتن سبیل در کلام رسول الله

۱- مسلمان واقعی نیست.

رسول خدا (ع) فرمود:

«یا علی من لم یاخذ شاربه فلیس منا»

یا علی! کسی که سبیل خود را کوتاه نکند مسلمان واقعی نیست.

۲- بی بهره از شفاعت

«و لم تنل شفاعتنا التارک لشاربه»

و شفاعت ما شامل کسی که سبیل خود را کوتاه نمی کند نمی شود.

۳- ملعون خداوند و فرشتگان

«لم یزل فی لعنه الله و الملائکه»

و همیشه مورد لعن خداوند فرشتگان است.

۴- مانع اجابت دعا

«و لا یستجاب له دعاء»

دعای او به استجابت نمی رسد.

۵- باعث سخت جان دادن

«و اذا قبض روحه قبض بشده»

و در هنگام قبض روح با سختی روحش از بدن جدا می شود.

۶- سبب عذاب در قبر

«و عذابه فی القبر صعب»

عذاب او در قبر بسیار سخت است.

۷-تسلط مارها و عقربها

«و یسلط علیه الحیات و العقارب بکل شعره»

برای هر موی سبیل مارها و عقربها بر او مسلط می شوند.

۸-عذاب همیشگی

«و کان معذبا الی القیامه»

انسانی که سبیل خود را کوتاه نکند تا قیامت در قبر عذاب می شود.

۹- اهل جهنم

«و اذا خرج من قبره کان مکتوبا بین عینیه هذا من اهل النار»

و هنگامی که از قبرش خارج می شود و در پیشاپیش نوشته شده که این شخص اهل جهنم است.

فصل هشتم

دیه آسیب رساندن به ریش

و اجرت گرفتن

تراشیدن ریش دیه دارد

برای ازاله موی ریش در شرع دیه ی کامل مقرر شده و هر که چنین باشد فعلش بر غیر بلکه بر صاحبش حرام است.

دیه آسیب رساندن به ریش

آنقدر ریش در اسلام ارزش دارد و به آن اهمیت داده شده که اگر کسی ریش دیگری را بکند و یا کاری کند که ریش او به طور کلی از بین برود باید دیه کامل بپردازد و اگر قسمتی از ریش روئید و قسمت دیگر نروئید باید یک سوم دیه را بدهد.

امام صادق (ع) فرمود:

«قضی امیرالمومنین فی اللحیه اذا خلقت فلم تنبت الدیه کامله فاذا نبتت فثلث الدیه»

امیرالمومنین (ع) در مورد کسی که ریش دیگری را از بین ببرد به طوری که اصلا نروید حکم کردند باید دیه کامل بپردازد و اگر قسمتی از آن روئید باید یک سوم دیه را بدهد.

حضرت امام خمینی (رحمه الله) در تحریرالوسیله ج۲ بحث دیه ی موی سر و ریش همین فتوی و حکم را در میان فتاوی انتخاب می نمایند.

یک سؤال مهم:

اجرت بابت تراشیدن ریش

سئوال: اجرت گرفتن بابت تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟

جواب: پولی را که پیرایش گر و تراشنده ی ریش به عنوان اجرت می گیرد حرام است.

چرا که رسول خدا فرمودند:

اذا حرم الله شیئاً حرم ثمنه.

وقتی خدا چیزی را حرام نموده اجرت آنرا نیز حرام کرده است.

نکته ای به برادران:

باید توجه داشت که احکامی را که مراجع تقلید می گویند از قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) استخراج کرده و بیان می فرمایند در حق کسانی که از آنها تقلید می کنند حکم خداست، لذا افرادی که مرجعشان می فرماید: ریش تراشی حرام است خواه به صورت فتوا و حکم و خواه به صورت احتیاط وجوبی، بدانند که اجرت گرفتن بابت آن را نیز بهمان صورت حرام می دانند.

فصل نهم

اشاره

جویدن مو و امراض آن

جویدن مو و امراض آن

این فصل ربطی به تراشیدن ریش ندارد البته کسانی هستند که موهای خود را می خورند حال یا موهای سبیل یا محاسن و یا در بین زنان گیسوان خود را.

بیماری گیسو خوردن (تریکوبنروار- فیتوبنروار) مخصوصا بین دختران جوان و بانوان دیده شده که حتی آنقدر دیده شده که موهای خورده شده در معده جمع و ترکیب و شکل معده تغییر یافته است.

و نیز کسانی که عادت دارند شانه را در دهان بگیرند و چند تار مو را ببلعند و نزد زنانی که ویار دارند نیز دیده شده است.

در بین مردان نیز کسانی هستند که موهای شارب خود را لای دندانها گذارده و می جوند و ذراتش را می خورند با سر ریش خود را برگردانده آنرا جویده جدا شده ها را بلع می نمایند.

اولین مرتبه بوسیله دانشگاه ریود وژانیرو این حقیقت کشف و اعلام گردید که خوردن مو سبب پیدایش خمودگی های روحی می گردد و کسانی که عادت به مو خوردن یافته اند دچار تزلزل روحی می شوند. ولی سابقه اسلامی آن به ۱۴ قرن می رسد که جویدن آن را ممنوع دانسته اند.

ناگفته نماند بیماری جنون کشیدن و کندن موها نیز هست که در افراد عصبانی مزاج دیده می شود و بیماری (TrichoKrptomania) پاره و قطع کردن مو که بهترین روش درمانی از طریق روانشناسی است.

فصل دهم

اشاره

داستانی درباره ی ریش تراشی

داستان آیت الله بافقی(رحمه الله)

روزی آیت الله شهید حاج شیخ محمد تقی بافقی (رحمه الله) به حمام عمومی تشریف می برد البته هر فرد با ورود به محوطه ی اصلی حمام با شخصیت ظاهریش که با لباس شناخته می شود، نا معلوم خواهد بود.

در آن جا بین ثروتمند و فقیر ، شاه و گدا فرقی نیست و همه یکسان و مانند هم می باشند. وقتی آیت الله بافقی (رحمه الله) به داخل حمام وارد می شود ناگهان با صحنه ای روبرو می شود که باید به وظیفه خویش یعنی (نهی از منکر) عمل نماید. می بیند فردی در برابر آئینه مشغول تراشیدن ریش خود هست به او نزدیک می شود و برای ادای تکلیف دینی خود و شکستن این سنت غلط که مورد تحریم مراجع بزرگوار است به وی تذکر می دهد که آقا این عملی که شما انجام می دهید، یعنی تراشیدن ریش حرام است و آن را ترک کن.

آن شخص که یکی از سرهنگ های بلند پایه ی ارتش رضا خانی بود وقتی در برابر نصایح خیرخواهانه آن اسوه ی تقوا و پرهیزکاری واقع می شود غضبناک شده و بی درنگ سیلی محکمی به صورت آن عالم وارسته می نوازد.

آیت الله بافقی (رحمه الله) با مواجه شدن با چنین عکس العملی، طرف دیگر صورت خویش را به سوی آن شخص می گیرد و می فرماید:«به این طرف صورتم نیز سیلی دیگر بزن و از این کار حرام دست بردار»

آن شخص مغرور وقتی با این همه بزرگواری و سعه ی صدر آیت الله بافقی(رحمه الله) روبرو می شود، از دلاک حمام که آیت الله بافقی را می شناخت سئوال می کند این آقای بزرگوار کیست؟ او جواب می دهد ایشان حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی بافقی می باشند. وقتی سرهنگ ارتش رضاخانی آن عالم جلیل القدر را می شناسد خدمت ایشان شرفیاب می شود و با نهایت پشیمانی عذر خواهی و طلب عفو و بخشش می کند و به ایشان قول می دهد که از آن زمان به بعد دست از عمل ریش تراشی بردارد و تا پایان عمر مرحوم آیت الله بافقی (رحمه الله) از نزدیکان و مریدان ایشان محسوب می گردد.

فصل یازدهم

اشاره

فتاوی مراجع و علماء قدیم

فتاوی مراجع بزرگوار تقلید

یکی از دلائلی که از برای حرمت ریش تراشی وجود دارد فتاوی علماء و مراجع تقلید است که قائل به حرمت ریش تراشی هستند. البته بعضی از مراجع صریحاً فتوی به حرمت داده اند مانند:

۱-شیخ بهائی (رحمه الله):

تراشیدن ریش مانند سایر گناهان کبیره است.

۲- کاشف الغطاء(رحمه الله):

حرمت تراشیدن ریش از مسلمات است.

۳- علامه محمد باقر مجلسی(رحمه الله):

تراشیدن ریش قطعی است.

۴- شیخ مرتضی انصاری(رحمه الله):

تراشیدن ریش حرام است.

۵- مرحوم صدر اصفهانی(رحمه الله):

ریش تراشی را به طور مفصل تحریم کردم و کسی که قائل به عدم حرمت است از دو حال بیرون نیست، یا از راسخان در علم نیست یا قصدش اظهار فضل است. والله العالم.

۶- آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(رحمه الله):

تراشیدن ریش حرام است و الله العالم.(توضیح المسائل)

۷- آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و حکم خدا بواسطه مسخره کردن مردم تغییر نمی کند. (توضیح المسائل م ۲۸۳۴)

۸- آیت الله العظمی گلپایگانی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و حکم خدا بواسطه مسخره کردن مردم تغییر نمی کند. (توضیح المسائل).

و بعضی از مراجع بنابر احتیاط واجب قائل به حرمت شده اند مانند:

۱-امام خمینی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد احتیاط واجب حرام است.(توضیح المسائل)

۲-آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد بنابر احتیاط واجب حرام است. (توضیح المسائل)

سه سوال استفتاء شده پیرامون ریش و ریش تراشی

سه سئوال از مراجع تقلید استفتاء شده که در کتاب ۱۴ نکته راجع به ریش و ریش تراشی آمده است که ما آنها را در اینجا از همان کتاب به طور کامل نقل می کنیم.

سئوال ۱: تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد چه حکمی دارد؟

۱-حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله):

حرام است علی الاحوط.

۲-حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله):

بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

۳- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته):

جایز نیست علی الاحوط.

۴- حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

به احتیاط واجب جایز نیست.

۵-حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

حرام است والله العالم.

۶- حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله):

بنابر احتیاط واجب حرام است.

۷- حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۸- حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

حرام است.

۹- حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

احتیاط در ترک آن است.

سئوال۲: آیا برای رشد بهتر ریش و یا بواسطه احساس خارش می توان آن را تراشید یا با ماشین ته زن اصلاح نمود؟

۱-حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله):

حرام است علی الاحوط و در موارد ضرورت حکم سایر محرمات را دارد.

۲- حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله):

روئیدن چند مو در صورت و چانه عرفا ریش حساب نمی شود و احساس خارش مجوز تراشیدن آن نیست.

۳- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته):

برای رشد بهتر ریش جایز نیست آن را تراشید علی الاحوط و احساس خارش اگر ضرورت لازم المراعاتی ندارد جایز نیست.

۴- حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

رشد مجوز تراشیدن نیست و احساس خارش هم جایز نیست مگر موجب حرج باشد.

۵- حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

خیر حرام است، و احساس خارش هم مجوز تراشیدن نمی شود. والله العالم

۶- حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله):

خیر، و این امور موجب ارتکاب حرام نمی شود.

۷- حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

اگر موقع رشد صدق ریش کند تراشیدن آن اشکال دارد و احساس خارش هم مجوز تراشیدن نیست.

۸- حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

خیر، جایز نیست.

۹- حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

اگر نمو کافی نکرد، بطوریکه صدق ریش کند اشکال ندارد و از موقع احساس خارش هم اگر مدتی بگذرد عادت می کند.

سئوال ۳: حد وجوب ریش گذاشتن چقدر است؟

۱- حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله):

و لو با نمره باید صدق داشتن ریش کند عرفا.

۲- حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله):

چانه و اطراف آن است طوری که عرفا بگویند ریش دارد.

۳- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته):

صدق داشتن ریش عرفا کفایت می کند.

۴- حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

به مقداری که گفته شود ریش دارد.

۵- حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

حد آن به مقداری است که عرفا بگویند ریش دارد.

۶- حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله):

حدی است که در عرف اطلاق ریش بر آن صادق آید.

۷- حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

صدق عرفی کفایت می کند.

۸- حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

به مقداری که عرفا بگویند فلانی ریش دارد.

۹- حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

مسلما شامل چانه می شود ولی اصلاح گونه ها اشکالی ندارد و باید عرفا صدق ریش کند.

نتیجه:

حرام بودن تراشیدن ریش و حلال بودن گذاشتن آن و فوائد آن و مضرات تیغ کشیدن با استفاده از آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و روان شناسی و پزشکی آن بیان و اثبات شد.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

بحار الانوار/ علامه محمد باقر مجلسی (ره)/ انتشارات دارلکتب الاسلامیه/ ۱۱۰ جلدی

وسائل الشیعه/ شیخ محمد بن الحسن حر العاملی/ داراحیاء التراث العربی بیروت/ چاپ پنجم/۱۴۰۳ه.ق/۱۹۸۳م.

مستدرک الوسائل/ محدث نوری/ موسسه آل البیت. چاپ بیروت/ ۱۴۱۰ه.ق.

تفسیر کوثر/یعقوب جعفری/انتشارات هجرت/ چاپ اول/ بهار ۱۳۷۶ه.ش.

میزان الحکمه/ محمد محمدی ری شهری/ انتشارات دارالحدیث/ چاپ سوم/ ۱۳۸۱ه.ش.

مکارم الاخلاق/شیخ طبرسی/ انی نصر الحسن بن فضل/موسسه نشر اسلام ی/چاپ دوم/۱۴۱۶ه.ق.

حلیه المتقین/علامه محمد باقر مجلسی(ره)/انتشارات نسیم حیات/چاپ اول/۱۳۸۰ ه.ش.

منتهی الآمال/ شیخ عباس قمی/ انتشارات هجرت/ چاپ یازدهم.

مجمع البیان/ابوعلی فضل بن حسن طبرسی/سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی/چاپ اول/ ۱۳۸۰ه.ش.

تفسیر قمی/علی بن ابراهیم قمی/انتشارات بنی الزهرا/چاپ اول/ ۸۸/مترجم جابر رضوانی.

تفسیر عیاشی/ ابی نصر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی معروف به عیاشی/ انتشارات مکتبه العلمیه الاسلامیه.

کمال الدین/ شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی/ انتشارات مسجدمقدس جمکران/چاپ دوم/ بهار ۱۳۸۲ه.ش.

امالی/ شیخ صدوق/انتشارات وحدت بخش/چاپ اول/بهار ۱۳۸۴.

خصال/ شیخ صدوق/ انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

اصول کافی/ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی الرازی/چاپ چهارم/ ۱۴۰ه.ق/ انتشارات دارصعب و دارالتعارف بیروت.

توحید مفضل/علامه مجلسی/ انتشارات هجرت/ مترجم: نجفعلی میرزایی/ چاپ ششم.

بهترین ارمغان/ سید محمد تقی مقدم/ انتشارات مقدم/چاپ بیست و سوم/ ۱۳۷۷.

مبلغان/ مجله معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم.
۱۴ نکته راجع به ریش و ریش تراشی/رضا مسجدی اصفهانی/انتشارات الحج/چاپ اول/۱۳۷۹.
اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله/شهید پاک نژاد/ انتشارات یاسر، انتشارات بنیاد فرهنگی/چاپ اول/۱۳۶۴.
ریش تراشی/ اسدالله محمدی نیا.
مبارزه با گناه/ سید محمد رضا هاشم زاده/ موسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام/چاپ اول/ ۱۳۸۳.
کامل فی التاریخ/ ابن اثیر/داربیروت ۱۳۸۵ه.ق.
فرازهایی از تاریخ اسلام/ آیت الله العظمی سبحانی/ نشر مشعر/ چاپ یازدهم زمستان ۱۳۸۷.
علل الشرایع/ شیخ صدوق/مترجم: محمد جواد ذهنی تهرانی/انتشارات مومنین.
صحیح مسلم/ ابی الحسین مسلم نیشابوری/دارالفکرللطباعه و النشر و التوضیح/مصر/۱۴۰۱ه.ق.
سفینه البحار/ شیخ عباس قمی/ کانون انتشارات عابدی/بی تا.
رسائل الشریف المرتضی/ سید مرتضی.
بابی گری و بهایی گری/ محمد محمدی اشتهاردی.
بهشت جوانان/ اسدالله محمدی نیا/ انتشارات سبط اکبر علیه السلام / چاپ شانزدهم/ ۳۸۲.
نهج الفصاحه / ابوالقاسم پاینده.
سنن ابی داوود/ ابی داوود.
کنزالعمال/ علاءالدین متقی هندی/ موسسه الرساله/ بیروت ۱۳۹۹ ه.ق.
وسوسه و وسواس در اسلام / محمود اردکانی بهبهانی/ انتشارات مجمع ذخائر اسلامی/چاپ دوم/۱۳۷۹ه.ش.
الحکم الزاهره/ علی رضا هابری یزدی/ مترجم: انصاری/مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹